**انترناسیونال ۶۹۵**

**کاظم نیکخواه**

**مراسم دفن رفسنجانی: نمایش تشتت حکومت**

مراسم خاکسپاری رفسنجانی بنا به گزارشها این هفته جمعیت بزرگی را گرد هم آورد. برخی گزارشها از حضور بیش از دو میلیون نفر در مراسم تدفین رفسنجانی سخن میگویند. برخی این آمار را اغراق آمیز میدانند و آنرا بسیار کمتر برآورد کرده اند. اما هرچه باشد این بزرگترین تجمع دولتی در جمهوری اسلامی پس از مرگ خمینی قریب سی سال پیش بود. اما این نمایش، بهیچ وجه نتوانست به نمایش قدرت حکومت تبدیل شود. کاملا برعکس همه گزارشها پر بود از درد سرها و "حاشیه های" این تجمع و درگیریها و اصطکاکهایی که بین جناحها صورت گرفت و قابل مخفی کردن نبود. حقیقت اینست که مرگ رفسنجانی همه جناحهای متخاصم ملی اسلامی را گرد هم آورد تا تشتت عمیق و مهلک و آشتی ناپذیر خودرا به نمانیش بگذارند. این جمعیتی بود بشدت متفرق و تشنه خون یکدیگر که هرکدام به دلیلی در این مراسم شرکت کرده بودند و حتی در خود این مراسم خصومت و نزاع و نفرت خود از یکدیگر را نمیتوانستند پنهان کنند.

رفسنجانی یکی از بنیانگزاران حکومت اسلامی بود و نقش تعیین کننده ای در کل حیات و جنایات و چپاولهای این حکومت داشت. اما همه میدانند که او مغضوب خامنه ای بود و اینکه به حصر و زندان و دردسرهای جدی تری نیفتاد تنها با یک بند بازی خطرناک در میان جناحهای حکومت برایش ممکن شد. بقای او به مویی بند بود. نکته مهم اینست که بدانیم که او آخرین رشته اتصال جناحهای متخاصم حکومتی و ملی اسلامی ها بود. او با زحمت بسیار توانست تا آخر خودرا هم به جناح خامنه ای و دستجات مختلف "اصولگرایان"، هم به طرفداران روحانی و "اعتدال گرایان"، و هم به بقایای طرفداران خاتمی و اصلاح طلبان دولتی، و به کل مهره های درشت حکومتی آویزان نگه دارد. این خاصیت رفسنجانی که هزینه هایی هم برایش داشت باعث شد که با مرگ او تمام جک و جانوران قدیم و جدید ملی اسلامی ها چه آنها که در قدرتند و چه آنها که مغضوبند از خانه بیرون ریختند و بر سر قبرش جمع شدند. حتی بخشهایی از مردم سرنگونی طلب که از رفسنجانی و حکومتش عمیقا منزجر هستند نیز بروال معمول به امید دست دست یابی به فرصتی برای شعار دادن علیه کل حکومت در مراسم تدفین رفسنجانی شرکت کردند. اما مراسم تدفین رفسنجانی چگونه پیش رفت؟

خامنه ای نماز میت را بجا آورد. اما با مناسباتی که میان آنها بود این نقش را قطعا با اکراه تمام و از سر ضعف انجام داده است. نکته جالب اینست که برخی دوخردادیها بعدا افشا کردند و شکوه کردند که او در ادای نماز کم فروشی کرده است و یک بند از نماز معمولی میت در سنت تشیع را که در آن میگوید "خدایا من از او جز نیکی ندیده ام" را حذف کرده و بجایش "خدایا او را ببخش" را قرار داده است!

مراسم تدفین رفسنجانی که یک مراسم رسمی و دولتی بود، به درگیریها و شعاردادنهای متعددی همراه شد. تلویزیون دولتی ناچار شد صدای جمعیت را بارها سانسور کند و بجایش دعا و موزیک عزا بگذارد. طرفداران کروبی و موسوی فرصتی دوباره یافته بودند که رفع حصر زعمای خودرا طلب کنند. آن بخش از جمعیت سرنگونی طلب شرکت کننده هم شعارهای خودرا برای آزادی زندانیان سیاسی میدادند. شعارهایی مثل آزادی زندانیان سیاسی و آزادی آرش صادقی و نترسید نترسید ما همه با هم هستیم و امثال اینها شعارهای این بخش از جمعیت است. شعاردادنها برای صدا و سیمای حکومت دردسرساز شده بود و ناچار شدند در پخش مراسم صدای جمعیت را قطع کنند. یعنی حکومت ناچار شد مراسم رسمی دولتی را سانسور کند. حتی حسن خمینی نوه خمینی امکان و احتمالا اجازه شرکت در مراسم یادبود رفسنجانی در دانشگاه را پیدا نکرد ولی گویا توانست هرطور شده خودرا به سر قبر رفسنجانی برساند. خاتمی رئیس جمهور سابق حکومت حتی اجازه حضور نیافت و در مراسم حکومتی ای که همه جناحها حضور داشتند دیده نشد. طرفدارانش رفع ممنوع التصویری او را فریاد میزدند و با پاسداران درگیر شدند. از فرزندان رفسنجانی یکی در زندان بود و برای شرکت در مراسم تدفین پدرش مرخصی گرفت، و دخترش فائزه رفسنجانی نیز بطور اتفاقی در این مقطع در زندان نبود. اما نفس حضور آنها در کنار سران حکومت مایه ناراحتی و درد سر بود که مخفی کردن آن برای حکومتی ها و برای خود آنها ساده نبود. از دو خردادی ها و طرفداران خاتمی بجز خود او که غایب بود، برخی دیگر مثل بهزاد نبوی سالها جرات نکرده بودند در انظار ظاهر شوند و در این مراسم نیز تحت کنترل و محدودیت بودند. دستگاههای مخابراتی حکومت از ترس ایجاد اغتشاش و درگیری، سیستم تلفن همراه را مختل کرده بودند تا امکان تماس با رسانه های غیر دولتی وجود نداشته باشد. اما بعدا دلیل قطع سیستم تلفن همراه را مشکلات فنی اعلام کردند.

بطور خلاصه مراسم تدفین رفنسنجانی به مردم این پیام را داد که وضعیت حکومت بشدت شکننده است و این جماعت خیلی زودتر از آنکه تصورش میرود دوباره به جان یکدیگر خواهند افتاد.

**اعتراضات چپ تر شده اند**

همینجا لازم به یادآوری و تاکید است که هرچه حکومت متشتت تر شده، مردم متحدتر شده اند. این رویدادی مربوط به امروز یا مرتبط با تشتت در مرگ رفسنجانی نیست. جنبش اعتراضی طی سالهای اخیر پیشرفتهای زیادی داشته است و پیوسته عمیق تر و طبقاتی تر وحتی سوسیالیستی تر شده است. بخشهای مختلف مردم یعنی کارگران و معلمان و دانشجویان و پرستاران در پیوند و همبستگی با هم مبارزه میکنند. اعتراضات یک سال گذشته را هرکس مرور کند متوجه این همبستگی گسترده و انعکاس آن در حرکتها و شعارها و خواستهای کارگران و معلمان و دانشجویان خواهد شد. شعارها و خواستهای کارگران و مردم دیگر به سرنگونی حکومت محدود نمیشود بلکه جنبشهای متنوعی در دفاع از خواستهای پایه ای و انسانی دارد شکل میگیرد. خواست رفع تبعیضات اقتصادی، اعتراض به تبعیضات اجتماعی و سیاسی، اعتراض به فقر، اعتراض به ازدواج کودکان، اعتراض به وضعیت کارتون خوابی، اعتراض به نابودی محیط زیست، دفاع از زندانیان سیاسی، دفاع از حقوق کودکان، اعتراض به کار کودکان، دفاع از منزلت بازنشستگان، و حتی جنبش اعتراض به جاده های نا امن و جنبش دفاع از حیوانات در برابر حکومت، این ها همه نشان میدهد که همانقدر که حکومت به قهقرا میرود، جامعه روشن تر و مدرن تر و شفاف تر و ریشه ای تر جلو میرود و خواستهای انسانی را طلب میکند. این فضا نه فقط تشتت و تفرقه را در صفوف حکومت عمیق تر نموده، بلکه فشار سنگینی بر جریانات راست گذاشته است. گسترش شکاف و اختلاف در میان جریانات راست و سلطنت طلب و اینکه اینها مجبور میشوند بیشتر با ماسک حقوق بشری خودرا معرفی کنند، انعکاس روند پیشرو و چپ جامعه ایران است.

در این فضا نیروهای چپ و کارگری باید رسالت تاریخی خودرا بیش از پیش باز شناسند و مصمم تر برای پاسخگویی به نیازهای امروز جنبش اجتماعی تلاش کنند.